

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه اول تفسیر سوره بقره از تفسیر نمونه

ویژه آزمون سراسری قرآن و عترت اسفند ۱۳۹۹

آیات اول و دوم

بسم الله الرحمن الرحيم الم ذلک الکتب لاریب فیه هدی للمتقین

بنام خداوند بخشنده مهربان الم این کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد، و مایه هدایت پرهیزکاران است.

تفسیر: تحقیق درباره حروف مقطعه قرآن

بیست و نه سوره از سوره های قرآن با حروف مقطعه شروع می شود و چنانکه از نامش پیدا است این حروف حروفی بریده از هم به نظر می رسد، و کلمه مفهومی را ظاهراً نمی سازد.

جالب اینکه در هیچیک از تواریخ ندیده ایم که عرب جاهلی و مشرکان وجود حروف مقطعه را در آغاز بسیاری از سوره های قرآن بر پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) خرده بگیرند، و آن را وسیله ای برای استهزاء و سخریه قرار دهند، و این خود می رساند که گویا آنها نیز از اسرار وجود حروف مقطعه کاملاً بیخبر نبوده اند.

حروف مقطعه قرآن همیشه جزء کلمات اسرار آمیز قرآن محسوب می شده، و مفسران برای آن تفسیرهای متعددی ذکر کرده اند، و با گذشت زمان و تحقیقات جدید دانشمندان تفسیرهای تازه ای برای آن پیدا می شود.

اکنون به مهمترین آنها در اینجا می پردازیم :

این حروف اشاره به این است که این کتاب آسمانی با آن عظمت و اهمیتی که دارد تمام سخنوران عرب و غیر عرب را متحیر ساخته و دانشمندان را از معارضه با آن عاجز نموده است، از نمونه همین حروفی است که در اختیار همگان قرار دارد در عین اینکه قرآن از همان حروف الف باء و کلمات معمولی ترکیب یافته، به قدری کلمات آن موزون است و معانی بزرگی در بر دارد، که در اعماق دل و جان انسان نفوذ می کند، روح را مملو از اعجاب و تحسین می سازد، و افکار و عقول را در برابر خود وادار به تعظیم می نماید، جمله بندیهای مرتب و کلمات آن در بلندترین پایه قرار گرفته و معانی بلند را در قالب زیباترین الفاظ می ریزد که همانند و نظیر ندارد. فصاحت و بلاغت قرآن بر کسی پوشیده نیست، این گفته صرف ادعا نمی باشد زیرا آفریدگار جهان همان کسی که این کتاب را بر پیامبر نازل کرده همه انسانها را دعوت به مقابله به مثل نموده است و از آنها خواسته که همانند آن، یا لااقل یک سوره مثل آنرا بیاورند، او دعوت نموده است که عموم جهانیان (جن و انس) با همکاری و هم فکری اگر می توانند مانند آنرا بیاورند اما همه عاجز و ناتوان ماندند، و این نشان می دهد که مولود فکر آدمی نیست .

عصر طلایی ادبیات عرب جالب توجه اینکه : عصر جاهلیت یک عصر طلایی از نظر ادبیات بود همان اعراب بادیه نشین، همان پا برهنه ها و نیمه وحشیها با تمام محرومیتهای اقتصادی و اجتماعی دلپائی سرشار از ذوق ادبی و سخن سنجی داشتند، به طوری که امروز، اشعاری که یادگار آن دوران طلایی است، از اصیلترین و پرمایه ترین اشعار عرب محسوب می

شود، و ذخائر گرانبهای برای علاقمندان ادبیات عربی اصیل است، این خود بهترین دلیل برای نبوغ ادبی و ذوق سخن پروری اعراب در آن دوران می باشد.

عربها در زمان جاهلیت یک بازار بزرگ سال به نام (بازار عکاظ) داشتند که در عین حال یک مجمع مهم ادبی و کنگره سیاسی و قضائی نیز محسوب می باشد.

در این بازار علاوه بر فعالیتهای اقتصادی عالیترین نمونه های نظم و نثر عربی از طرف شعراء و سخنسرایان توانا، در این کنگره بزرگ عرضه می گردید، و بهترین آنها به عنوان (شعر سال) انتخاب می شد که هفت قطعه (یا ده قطعه) آن به نام (سبعه) (یا عشره معلقه) معروف است، و البته موفقیت در این مسابقه بزرگ ادبی افتخار بزرگی برای سراینده آن شعر و قبیله اش بود.

در چنان عصری قرآن آنها را دعوت به مقابله به مثل کرد و همه از آوردن مانند آن اظهار عجز کردند، و در برابر آن زانو زدند (شرح بیشتر در زمینه تحدی قرآن و ناتوان ماندن از آوردن مثل آن را ذیل آیه ۲۳ همین سوره خواهید خواند).
شاهد گویا گواه زنده این تفسیر برای حروف مقطعه حدیثی است که از علی بن الحسین (علیهما السلام) امام سجاد (علیه السلام) رسیده است آنجا که می فرماید: کذب قریش والیهود بالقرآن و قالوا هذا سحر مبین، تقوله فقال الله (الم) ذلک الکتاب: (...ای یا محمد هذا الکتاب الذی انزلته الیک هو الحروف المقطعه الّتی منها الف و لام و م و هو بلغتکم و حروف هجائکم فاتوا بمثله ان کنتم صادقین) قریش و یهود به قرآن نسبت ناروا دادند گفتند: قرآن سحر است، آن را خودش ساخته و به خدا نسبت داده است، خداوند به آنها اعلام فرمود: الم ذلک الکتاب (یعنی ای محمد کتابی که بر تو فرو فرستادیم از همین حروف مقطعه (الف لام میم) و مانند آن است که همان حروف الفبای شما است).

شاهد دیگر: حدیثی از امام علی ابن موسی الرضا (علیهما السلام) رسیده است آنجا که می فرماید (...): ثم قال ان الله تبارک و تعالی انزل هذا القرآن بهذه الحروف الّتی يتداولها جميع العرب ثم قال: قل لئن اجتمعت الانس و الجن علی ان یاتوا بمثل هذا القرآن... (خداوند بزرگ قرآن را نازل فرمود با همین حروفی که جمیع عرب با آن تکلم می کنند، سپس فرمود: بگو اگر انس و جن با هم همکاری کنند که مثل قرآن را بیاورند توانائی بر آن را ندارند (...)).

نکته دیگری که این نظریه را درباره معنی حروف مقطعه قرآن تأیید می کند این است که در ۲۴ مورد از آغاز سوره هائی که با این حروف شروع شده است، بلافاصله سخن از قرآن و عظمت آن به میان آمده، این خود نشان می دهد که ارتباطی میان این دو، (حروف مقطعه و عظمت قرآن) موجود است.

اینک چند نمونه از آنها را در اینجا می آوریم:

۱- الر کتاب احکمت آیاته ثم فصلت من لدن حکیم خبیر (هود: ۲۱)

۲- طس تلك آیات القرآن و کتاب مبین (نمل ۱ و ۲)

۳- الم تلك آیات الکتاب الحکیم (لقمان ۱ و ۲)

۴- المص کتاب انزل الیک (اعراف ۱ و ۲)

در تمام این موارد و موارد بسیار دیگر از آغاز سوره های قرآن پس از ذکر حروف مقطعه سخن از قرآن به آمده ، و از عظمت آن بحث شده است .

بعد از بیان حروف مقطعه قرآن اشاره به عظمت این کتاب آسمانی کرده می گوید: (این همان کتاب با عظمت است که هیچگونه تردید در آن وجود ندارد) **(ذکر کتاب لاریب فیه)**

این تعبیر ممکن است اشاره به آن باشد که خداوند به پیامبر خویش وعده داده کتابی برای راهنمایی انسانها بر او نازل کند که برای همه حق طلبان مایه هدایت و برای حقیقت جویان جای تردید در آن نباشد، و اکنون به وعده خود وفا کرده است .

اما اینکه می گوید هیچگونه شک و تردید در آن وجود ندارد این یک ادعا نیست بلکه منظور این است که محتوای قرآن آنچنان است که خود شهادت بر حقانیت خویش می دهد، و همچون طبله عطار است خاموش و هنرنمای و به تعبیر دیگر:

آنچنان آثار صدق و عظمت و انسجام و استحکام و عمق معانی و شیرینی و فصاحت لغات و تعبیرات در آن نمایان است که هر گونه وسوسه و شک را از خود دور می کند، و مصداق آنجا که عیان است چه حاجت به بیان است می باشد.

جالب اینکه گذشت زمان نه تنها طراوت آن را نمی کاهد، بلکه با پیشرفت علوم و برداشته شدن پرده از روی اسرار کائنات حقائق قرآن روشنتر می گردد، و هر قدر علم به سوی تکامل پیش می رود درخشش این آیات بیشتر می شود.

این یک ادعا نیست ، واقعیتی است که به خواست خدا در لابلای همین کتاب تفسیر به آن پی خواهیم برد.

نکته ها

۱- چرا اشاره به دور ؟ میدانیم کلمه (ذلک) در لغت عرب اسم اشاره بعید است ، بنابر این ذلک الکتاب

مفهومش (آن کتاب) است ، در حالی که در اینجا باید از اشاره به نزدیک استفاده می شد، و (هذا الکتاب) می گفت چرا که قرآن در دسترسی مردم قرار گرفته بود.

این به خاطر آن است که گاهی از اسم اشاره بعید برای بیان عظمت چیزی یا شخصی استفاده می شود، یعنی آنقدر مقام آن بالا است که گوئی در نقطه دور دستی در اوج آسمانها، قرار گرفته است در تعبیرات فارسی نیز نظیر آن را داریم فی المثل در حضور افراد بزرگ می گوئیم (اگر آن سرور اجازه دهند چنین کار را می کنیم) . در حالی که باید این سرور گفته شود، این تنها برای بیان عظمت و بلندی مقام است .

در بعضی از آیات قرآن تعبیر به (تلک) شده که آنهم اشاره بعید است مانند (تلک آیات الکتاب الحکیم) (لقمان / ۲)

۲- معنی کتاب کتاب به معنی مکتوب و نوشته شده است ، و بدون تردید منظور از کتاب در آیه مورد بحث قرآن مجید است .

در اینجا این سؤال پیش می آید که مگر تمام قرآن در آن روز نوشته شده بود؟ در پاسخ این سؤال می گوئیم نوشته شدن تمام قرآن لازم نیست چرا که قرآن هم به کل این کتاب گفته می شود و هم به اجزاء آن .

به علاوه (کتاب) گاهی به معنی وسیعتری اطلاق می شود به معنی مطالبی که در خور نوشتن است و به صورت مکتوب بیرون خواهد آمد، هر چند تا آن زمان نوشته نشده باشد، در سوره ص آیه ۲۹ می خوانیم: (کتاب انزلناه الیک مبارک لیدبروا

آیاته) : این کتابی است که بر تو نازل کردیم ، کتابی است پر برکت تا مردم در آیات آن بیندیشند) مسلم است که قرآن قبل از نزولش به صورت نوشته‌های در میان انسانها وجود نداشت .

این احتمال نیز وجود دارد که تعبیر به کتاب اشاره به مکتوب بودنش در (لوح محفوظ) باشد (درباره لوح محفوظ در جای خود بحث خواهیم کرد)

۳- هدایت چیست ؟ کلمه هدایت در قرآن در مورد فراوانی استعمال شده است ولی ریشه و اساس همه آنها به دو معنی بازگشت می کند:

۱- هدایت تکوینی که در تمام موجودات جهان وجود دارد منظور از هدایت تکوینی رهبری موجودات به وسیله پروردگار زیر پوشش نظام آفرینش و قانونمندیهای حساب شده جهان هستی است .

قرآن مجید در این زمینه از زبان موسی (علیه السلام) می گوید: (ربنا الذی اعطی کل شیء ۰ خلقه ثم هدی) : پروردگار ما همان کسی است که همه چیز را آفرید و سپس آن را هدایت کرد (طه ۰۵۰).

۲- هدایت تشریحی که به وسیله پیامبران و کتابهای آسمانی انجام می گیرد و انسانها با تعلیم و تربیت آنان در مسیر تکامل پیش میروند شاهد آن نیز در قرآن فراوان است از جمله می خوانیم : (و جعلناهم ائمه ۰ یهدون بامرنا) : آنها را راهنمایانی قرار دادیم که به فرمان ما مردم را هدایت می کنند) (انبیاء ۷۳).

۴- چرا هدایت قرآن ویژه پرهیزکاران است ؟ مسلما قرآن برای هدایت همه جهانیان نازل شده ، ولی چرا در آیه فوق هدایت قرآن مخصوص پرهیزکاران معرفی گردیده ؟

علت آن این است که تا مرحله ای از تقوا در وجود انسان نباشد (مرحله تسلیم در مقابل حق و پذیرش آنچه هماهنگ با عقل و فطرت است) محال است انسان از هدایت کتابهای آسمانی و دعوت انبیاء بهره بگیرد .

به تعبیر دیگر: افراد فاقد ایمان دو گروهند: گروهی هستند که در جستجوی حقد و این مقدار از تقوا در دل آنها وجود دارد که هر جا حق را ببینند پذیرا می شوند. گروه دیگری افراد لجوج و متعصب و هواپرستی هستند که نه تنها در جستجوی حق نیستند بلکه هر جا آن را بیابند برای خاموش کردنش تلاش می کنند.

مسلما قرآن و کتب آسمانی دیگر تنها به حال گروه اول مفید بوده و هست و گروه دوم از هدایت آن بهره ای نخواهند گرفت. و باز به تعبیر دیگر: علاوه بر (فاعلیت فاعل) قابلیت قابل (نیز شرط است ، هم در هدایت تکوینی و هم در هدایت تشریحی .

زمین شوره زار هرگز سنبل بر نیارد، اگر چه هزاران مرتبه باران بر آن ببارد بلکه باید زمین آماده باشد تا از قطرات زنده کننده باران بهره گیرد. سرزمین وجود انسانی نیز تا از لجاجت و عناد و تعصب پاک نشود، بذر هدایت را نمی پذیرد، و لذا خداوند می فرماید: (قرآن هادی و راهنمای متقیان است)

موسسه فرهنگی قران و عترت غدیر گچساران

گروه قرآن و عترت اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کهگیلویه و بویراحمد

۳دی ماه ۱۳۹۹